

The Scientific Authority of the Qur'an from the Viewpoint of Dr. Golshani

Morteza Gharasban¹

Received: 09/11/2020

Accepted: 30/11/2020

Abstract

The scientific authority of the holy Qur'an or influence of the Qur'an on man-made sciences and knowledge is one of the important topics of the scientific arena in line with the Islamization of sciences. Many researchers have commented on this issue that Dr. Mehdi Golshani is one of these researchers proposing his theory of religious science. This study seeks to address Dr. Golshani's view on the "scientific authority of the Qur'an" according to the theory of religious science. In his view, there is a close relationship between science and religion, and "religious science" is a science that is theoretically based on experience and theorizing. However, in summary, it is based on the principles of the Islamic worldview. In addition, the Qur'an, as a religious text, has a significant effect on the sciences, which can be explained in different ways such as inferential, complementary, inspirational, arbitrary, and insightful. The data collection in this research has been done through library method and by referring to sites, sources, and works of Dr. Golshani, and the method of data analysis is descriptive-analytical.

Keywords

The Holy Quran, scientific authority, scientific authority of the Quran, Golshani.

1. Graduate of Islamic Seminary of Qom (Level 3) and PhD student in Islamic Knowledge, Shahid Beheshti University, Qom, Iran. Mgh1534@gmail.com

* Gharasban, M. (2020). The scientific authority of the Quran from the viewpoint of Dr. Golshani. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 2(5), pp. 89-116.



مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی

مرتضی غرسبان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۹

چکیده

«مرجعیت علمی قرآن کریم» و به نوعی اثرگذاری قرآن بر علوم و دانش‌های ساخت‌یافته بشر، از مباحث مهم فضای علمی در راستای اسلامی‌سازی علوم به شمار می‌رود. پژوهشگران بسیاری در خصوص این موضوع، به اظهار نظر پرداخته‌اند که دکتر مهدی گلشنی با طرح نظریه علم دینی خود، یکی از این پژوهشگران است. این پژوهش در تلاش است با توجه به نظریه علم دینی دکتر گلشنی، به دیدگاه ایشان در خصوص «مرجعیت علمی قرآن» پردازد. از دیدگاه وی، ارتباط تنگاتنگی بین علم و دین وجود دارد و «علم دینی» آن علمی است که در مقام نظری، مبتنی بر تجربه و نظریه‌پردازی است؛ اما در جمع‌بندی، اصول جهان‌بینی اسلامی بر آن حاکم است. همچنین قرآن به عنوان متن دینی، از اثرگذاری معناداری بر علوم برخوردار است که به گونه‌های مختلفی مانند استنباطی، استکمالی، استلهامی، حکمیتی و بینشی قابل تبیین است. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای و مراجعه به سایت‌ها و منابع و آثار دکتر گلشنی و روش بررسی داده‌ها، توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، مرجعیت علمی، مرجعیت علمی قرآن، گلشنی.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم (سطح ۳) و دانشجوی دکتری معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، قم، ایران.
Mgh1534@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم تنها منبع وحیانی است که خداوند در جهت هدایت انسان‌ها به واسطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اختیار انسان قرار داده تا با بهره‌گیری از آموزه‌های آن بتوان به مسیر سعادت دست یافت. با توجه به تعدد منابع دینی و معرفتی، مسئله منابع و ابزارهای معرفت و تفکیک صحیح آنها از همدیگر، همواره مورد بحث عالمان دینی بوده است؛ بنابراین با توجه به جایگاه والای قرآن نزد اندیشمندان مسلمان، توجه به آموزه‌های آن و بهره‌گیری حداکثری از این منبع وحیانی، برای اندیشمندان مسلمان، اهمیت ویژه‌ای دارد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد بهره‌گیری از قرآن، استفاده از آن در علوم و دانش‌های مختلف است. همواره دانش‌های بشری در حال ایجاد، توسعه و تکامل‌اند. در ارتباط بین قرآن و دانش‌های بشری، نخستین پرسشی که به ذهن پژوهشگران خطور می‌کند، این است که آیا اساساً بهره‌گیری از قرآن در بررسی امور مربوط به دانش‌های بشری، اعم از پیش‌فرض‌ها، مبانی، مسائل، روش‌ها و دیگر ابعاد آن امکان‌پذیر است یا خیر. ممکن است با روش‌های معمول در قرآن‌پژوهی موضوعی، در حل این مسئله، استفاده‌هایی از ساحت قرآن صورت گرفته باشد، ولی ضروری است که با نگاهی عمیق‌تر و همچنین با رویکردی جدید، به نتایج کامل‌تری در میزان بهره‌گیری از قرآن در دانش‌های ساخت‌یافته بشری دست یافت و به‌نوعی به امکان‌سنجی مرجعیت علمی قرآن در آنها پرداخت.

ضروری است در جمع‌بندی پاسخ به این پرسش اساسی به سراغ اندیشمندان مسلمان رفت تا با بهره‌گیری از دیدگاه‌های آنان، بتوان به پاسخی منطقی و متقن دست یافت. یکی از این صاحب‌نظران که در حوزه رابطه قرآن و علوم، فعالیت‌های چشم‌گیری داشته، دکتر مهدی گلشنی، استادتمام دانشگاه صنعتی شریف است که در این مقاله به تبیین نظریات ایشان در خصوص مرجعیت علمی قرآن می‌پردازیم؛ براین اساس پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه دیدگاه دکتر گلشنی در خصوص مرجعیت علمی قرآن کریم چیست؟

در این پژوهش در پاسخ به پرسش اصلی، پس از آشنایی اجمالی با سوابق دکتر گلشنی در حوزه قرآن پژوهی، ابتدا به عنوان چارچوب مفهومی تحقیق، به نظریه علم دینی وی پرداخته می‌شود تا بتوان از مجرای طرح این نظریه، به تحلیل دیدگاه دکتر گلشنی در خصوص «مرجعیت علمی قرآن کریم» پرداخت. پس از بیان نظریه علم دینی، بخش اصلی پژوهش که اثرگذاری قرآن در علوم مختلف از دیدگاه دکتر گلشنی است، بررسی می‌شود و در نهایت با توجه به تمرکز آثار ایشان در اثرگذاری قرآن در علوم طبیعت، در قالب بررسی موردی، به این موضوع نیز اشاره می‌شود.

۱. پیشینه قرآن پژوهی دکتر گلشنی

دکتر مهدی گلشنی استاد برجسته فیزیک کشور و از نظریه پردازان حوزه علم دینی است. گستره فکری و مطالعاتی وی محدود به تحصیلات دانشگاهی اش نیست و از همین رو طی سالیان گذشته فعالیت‌ها و خدمات فراوانی به جامعه علمی کشور ارزانی داشته است.

آثار و تألیفات بسیاری اعم از کتاب و مقاله به قلم وی نگاشته شده است که با توجه به موضوع این پژوهش، صرفاً به آثار مرتبط با «مرجعیت علمی قرآن» اشاره می‌شود.

۱-۱. کتاب قرآن و علوم طبیعت

این کتاب از کتاب‌های سودمند و قوی بنیادی است که در زمینه رابطه قرآن و علوم نوشته شده و از بهترین آثار تالیفی فارسی در این زمینه است. این کتاب مشتمل بر چهار فصل است که مجموع چهار مقاله نویسنده است که ابتدا برای عرضه در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی تهیه شده بودند و همگی در مجلات داخلی یا خارجی چاپ شده‌اند. فصل مشترک آنها این است که تماماً مربوط به قرآن و علوم طبیعت هستند.

۲-۱. کتاب از علم سکولار تا علم دینی

در این کتاب بیان می‌شود که علوم طبیعت چه در جهان اسلام و چه در تمدن جدید

غرب ابتدا با یک بینش دینی شکل گرفت و سپس در دو قرن اخیر جنبه سکولار پیدا کرد. این کتاب همچنین نشان می‌دهد ایدئولوژی‌ها و گرایش‌های فلسفی در کاوش‌های علمی و تفسیر داده‌های تجربی نقش ایفا می‌کنند و مطالعه طبیعت، جامعه و انسان می‌تواند در چارچوب جهان‌بینی دینی (اسلامی) انجام گیرد.

۳-۱. کتاب علم و دین در افق جهان‌بینی توحیدی

عناوین فصل‌های این کتاب عبارت‌اند از: رابطه علم و دین در جهان اسلام، علم و دین در اروپای قرون وسطی، ارتباط علم و دین، مسئله خودکفایی علوم تجربی، آیا علم و دین به دو فرهنگ تعلق دارند؟، کیهان‌شناسی و خلقت، استدلال‌ها بر وجود خداوند براساس شواهد علمی، معجزه، مسئله شرور در جهان، هدفداری جهان، معاد، ارزش‌ها و مسائل اخلاقی در علم و فناوری، چرا علم دینی؟، علم آینده چهارچوبی جامع‌تر نیاز دارد.

۴-۱. کتاب علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹)

۵-۱. کتاب علم، دین و فلسفه (تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۳)

۲. نظریه علم دینی

یکی از مهم‌ترین مباحث چالش‌برانگیز کلامی در عصر جدید و دوره معاصر، بحث علم و دین و رابطه میان این دو است. نظریه علم دینی یکی از مسائل کلامی جدید در دو دهه اخیر است که در پی ظهور بن‌بست‌ها و ضعف‌های علم جدید که بر اثر حذف فلسفه و متافیزیک به وجود آمده، در جهت رفع آنها و تعارض میان علم و دین مطرح شده است. دکتر گلشنی به پژوهش در این مسئله دست زده است. او با کاوش در دیدگاه‌های فیزیکدانان، به نقد سیر علوم تجربی در چندین دهه گذشته پرداخته و برقراری ارتباط و تعامل دوباره بین علم و دین را ضروری دانسته است. نخستین بحثی که در اینجا مطرح می‌شود، نیاز علم به ورود دین است. امری که

برخی روشنفکران مخالف دین، آن را به‌طور کلی رد کرده‌اند و تجربه را جایگزین آن نموده‌اند. از دیدگاه دکتر گلشنی، نقطه شروع طرح بحث علم دینی، کنارزدن دین توسط برخی عالمان و ناسازگاری برخی داده‌های علوم با دین بود. ایشان در این خصوص می‌گویند: «در زمانی، چه در جهان اسلام و چه در جهان غرب، یک علم مطرح بود. کسانی هم که عالمان و صاحبان این علوم بودند، آدم‌های متدینی بودند که فعالیت علمی را هم بخشی از کار دینی‌شان می‌دانستند و به عبارت دینی خودمان آن را عبادت می‌دانستند. این تفکر الآن از بین رفته است. چیزی که حاکم شده، علم روز است و حاکم بر این علم روز، یک سری دیدگاه‌های متافیزیکی است که برخی از آنها با تفکر اسلامی سازگار نیست» (گلشنی، ۱۳۸۷/۱۲/۱۰).

دکتر گلشنی برای اثبات نیازمندی علم به دین، تولید علم را مشتمل بر فرآیندی چندمرحله‌ای می‌داند که در برخی مراحل آن، سخن این روشنفکران درست است و دخالت دین، تأثیری در نتیجه آن مرحله از تولید علم ندارد؛ اما در برخی مراحل که تجربه و آزمایش، توان پاسخ منطقی به پرسش‌های موجود را ندارد، پاسخ به مسئله با رویکرد دینی و رویکرد غیردینی، متفاوت است.

دکتر گلشنی مشکل اصلی علوم جدید را در چنین جایگاه‌هایی که تجربه و آزمایش کارساز نیست، اتخاذ موضع ضد دینی دانسته و حال آنکه این مواضع را قابل اثبات نمی‌داند. ایشان در این خصوص می‌گویند: «در علم جدید چیزی که حاکم شده، مفروضات ضد دینی بوده. مفروضاتی از این قبیل که "عالم خودزاست"، "عالم هدف ندارد" و غیره. این آرا و مفروضات، از خود "علم" بیرون نیامده. از جاهای دیگری آمده؛ بنابراین ما در مقام تولید و فعالیت علمی، گاهی نهایتاً به جایی می‌رسیم که دسترسی به تجربه نداریم و موضع‌گیری ما به‌ناچار دینی یا ضد دینی یا لادری‌گرایانه خواهد بود. در چنین جاهایی، شما اگر موضع لادری‌گرایانه اتخاذ کنید، هیچ ایرادی ندارد؛ اما مسئله این است که الان در مقام عمل، عده‌ای در دنیای علم رسماً در موضع ضد دینی ایستاده‌اند و به نظر ما، چنین موضعی متکی به استدلال کافی نیست» (گلشنی، ۱۳۹۶، ش ۴۰۳۷، ص ۱۴). ایشان در چنین مواردی که قابل اثبات از طریق آزمایش و تجربه

نیست، موضع دینی را بهتر از موضع غیردینی و لاداری گرایانه می‌داند و معتقد است: «موضع دینی، در مواردی که دسترسی به تجربه نداریم، قضیه را بهتر توضیح می‌دهد». دکتر گلشنی پس از اثبات ضرورت ورود دین و برتری دادن دیدگاه دینی بر دیدگاه ضددینی و لاداری‌گری، ورود دین به علوم را از درگاه جهان‌بینی میدانند و جهان‌بینی دینی را وجه تمایز رویکرد دینی با رویکرد غیردینی در علوم می‌خوانند و معتقد است: «علت اینکه مسئله علم دینی در این زمان مطرح می‌شود، این است که شما صرفاً نمی‌توانید بر داده‌های تجربی متوقف شوید و گاهی اوقات مجبور هستید این داده‌ها را تعمیم دهید، و در این تعمیم، خود علم گویا نیست و تجربه دستش کوتاه است. به‌طور اتوماتیک یا متوقف می‌شوید یا به بعضی از پیش‌فرض‌های فلسفی متوسل می‌شوید. اینجا است که آنهایی که معتقد به دین هستند، باید به جهان‌بینی دینی رجوع کنند» (گلشنی، ۱۳۸۷/۱۲/۱۰).

آقای گلشنی در مواضع متعددی می‌گوید اثرگذاری جهان‌بینی و مفروضات متافیزیکی در حوزه نظریات عام و جهان‌شمول است. آنچه در اندیشه ایشان از اهمیت والایی برخوردار است، همین تعبیر و تفسیر قضایای جهان‌شمول و مرتبط با مبدأ و منتهای عالم است. در این موارد است که ذهنیات ما در انتخاب نظریات و توجیه آنها مؤثر است. آن کسی که دارای جهان‌بینی الهی است، به گونه‌ای قضایا را توجیه می‌کند و آن کس که منکر خدا است به گونه دیگر مسئله را می‌بیند. براساس این دیدگاه، علم دینی فقط شامل علوم خاص شریعت مانند فقه و اصول و تفسیر قرآن نمی‌شود و معنایی بسیار وسیع‌تر را برای علم دینی می‌توان در نظر گرفت. به اعتقاد گلشنی: «همه دانش‌ها را می‌توان در یک چهارچوب متافیزیکی دینی جای داد و یا در یک چهارچوب متافیزیکی فارغ از دین. منظور ما از علم دینی، علمی است که جهان‌بینی الهی بر آن حاکم است. بینشی که خدا را خالق و نگهدارنده جهان می‌داند، عالم وجود را به عالم مادی منحصر نمی‌کند، برای جهان هدف قائل است و به یک نظام اخلاقی اعتقاد دارد؛ البته توجه به جهان‌بینی دینی به معنای آن نیست که تجربه و نظریه‌پردازی را کنار بگذاریم» (باقری نوع‌پرست، ۱۳۹۶، صص ۱-۱۷).

این سخن که علم، علم است و دینی و غیردینی یا اسلامی و مسیحی و یهودی ندارد، صرفاً زمانی درست است که ما با تئوری‌های محدود سر و کار داشته باشیم؛ ولی در تئوری‌های جهان‌شمول وقتی بخواهیم درباره اصل جهان و اول و آخر آن بحث کنیم، در این ساحت، علم دارای مبانی، اصول و فرضیات فلسفی و متافیزیکی است. این پیش‌فرض‌ها برگرفته از خود علم نیست و اینجا است که نقش مبانی متافیزیکی دین پررنگ و معیار دینی یا غیردینی بودن علم مشخص خواهد شد.

۳. تأثیر جهان‌بینی دینی در علوم

تأثیرپذیری فعالیت‌های علمی از عوامل مختلف، بحثی است که اندیشمندان و صاحب‌نظران در آن اختلاف جدی دارند این اختلاف، به نسبت عوامل مختلف عمیق‌تر می‌شود؛ برای نمونه در چند دهه اخیر، به مسئله دخالت عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در شکل‌گیری، تعبیر و ترویج نظریه‌های علمی توجه قرار شده است که در این خصوص دو دیدگاه افراطی و تفریطی وجود دارد. نگاه افراط‌گرایانه معتقد است این عوامل، در تمامی مراحل تکوین و تعبیر و ترویج علوم دخالت تام دارند و اساساً معرفت به‌طور کلی تابع شرایط اجتماعی است؛ اما نگاه تفریطی به‌طور کلی منکر تأثیر این عوامل در شکل‌گیری، تعبیر و ترویج نظریه‌های علمی است هستند. همچنین عده‌ای با نگاهی معتدلانه، اثرگذاری هر یک از این عوامل را در برخی مراحل فعالیت علمی می‌دانند و مثلاً برای عوامل روان‌شناختی، نقش بیشتری در شکل‌گیری و تعبیر نظریه‌ها، و برای عوامل جامعه‌شناختی، نقش اساسی‌تر در پذیرش و انتشار نظریه‌ها قائل‌اند.

یکی از عوامل مورد اختلاف در اثرگذاری بر علوم، اصول و پیش‌فرض‌های دینی و اعتقادی و نوع نگاه و جهان‌بینی موجود است. دکتر گلشنی با ذکر مثال، از امکان وقوعی این تأثیرپذیری سخن می‌گوید: «در دوران درخشان تمدن اسلامی، دانشمندان مسلمان به خاطر خدا دنبال علم می‌رفتند. هدفشان کشف آثار الهی در طبیعت بوده است. اینها نشانگر امکان وقوع تأثیرپذیری علم تجربی از ارزش‌ها و بینش‌های دینی و فلسفی است. در علوم انسانی، دخالت ارزش‌های دینی و دیدگاه‌های متافیزیکی در

فعالیت‌های علمی بسیار وسیع‌تر است. به‌طور خلاصه به این نکته باید توجه داشت که هیچ دانشی فارغ از قضاوت‌های ارزشی نیست و تفاوت بین علوم انسانی و علوم طبیعی هم تنها در شدت و ضعف این اثرپذیری است» (گلشنی، ۱۳۹۵/۰۴/۱۱).

در تأثیرپذیری علوم از دین، همان‌گونه که گذشت، دکتر گلشنی پس از اثبات ضرورت ورود دین و برتری دادن دیدگاه دینی بر دیدگاه ضددینی و لادری‌گری، ورود دین به علوم را از درگاه جهان‌بینی می‌داند و جهان‌بینی دینی را وجه تمایز رویکرد دینی با رویکرد غیردینی در علوم می‌شمارد. ایشان مراحل مختلفی را به‌عنوان وجوه اثرگذاری جهان‌بینی دینی در علوم معرفی می‌کند که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم.

۱-۳. تأثیر در انگیزه فعالیت علمی

دکتر گلشنی نخستین تأثیر جهان‌بینی را تأثیر در انگیزه‌های دانشمندان در انجام فعالیت علمی و انتخاب مسئله، می‌داند و معتقد است «این انگیزه‌ها می‌تواند ناشی از انگیزه‌های فلسفی یا دینی باشد؛ برای مثال جایزه نوبل "وحدت نیروهای طبیعت" به‌طور مشترک توسط سه فیزیکدان که هر کدام دارای انگیزه‌های متفاوتی بودند، اخذ شد. یکی (عبدالسلام) دنبال وحدت تدبیر و در نتیجه وحدت مدبر است. دیگری دنبال ساده شدن تحلیل قضایا است و سومی نیز انگیزه‌ای متفاوت» (گلشنی، ۱۳۹۵/۱۰/۰۸).

وی در کتاب قرآن و علوم طبیعت در پی تطبیق آیات قرآن بر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی معاصر نیست، بلکه معتقد است برخی آیات قرآنی جهت ترغیب آدمیان به کشف اسرار طبیعت نازل گشته‌اند و آنان را به تعلم علوم طبیعی و در نتیجه توجه به عظمت خلقت و در نهایت نزدیکی به خالق جهان تشویق کرده‌اند.

۲-۳. تأثیر در پیش‌فرض‌های علمی

دومین وجه اثرگذاری جهان‌بینی، در پیش‌فرض‌های دانشمندان در فعالیت‌های علمی است. دکتر گلشنی برخی پیش‌فرض‌ها را با تجربه و آزمایش قابل اثبات نمی‌داند

و می‌گوید: «ابتدایی‌ترین پیش‌فرض در فعالیت‌های علمی این است که طبیعت برای انسان قابل درک است. همین ایده با تجربه به دست نمی‌آید. انیشتین ایده قابل درک بودن طبیعت را ایده‌ای برگرفته از حوزه‌ی دین دانسته‌اند» (گلشنی، ۱۳۹۵/۱۰/۰۸).

۳-۳. تأثیر در انتخاب آزمایش و گزینش مشاهدات

تأثیر در انتخاب آزمایش و گزینش مشاهدات، یکی دیگر از وجوه اثرگذاری جهان‌بینی در علوم است. دکتر گلشنی در این خصوص معتقد است: «ممکن است یک سری از پیش‌فرض‌های فلسفی یا ایدئولوژیک آدم‌ها، فلان موضوع را بی‌اهمیت نانشدنی بدانند و لذا بودجه‌ای به آن اختصاص ندهند» (گلشنی، ۱۳۹۵/۱۰/۰۸).

۳-۴. تأثیر در گزینش ملاک‌های ارزیابی و نقد نظریات علمی

جهان‌بینی بر گزینش ملاک‌های ارزیابی و نقد نظریات علمی دانشمندان نیز تأثیرگذار است. دکتر گلشنی در این خصوص می‌گوید: «در پاسخ به اینکه دانشمندان براساس چه ملاک‌هایی به ارزیابی و نقد نظریات علمی می‌پردازند و آیا ابتناء به شواهد تجربی قوی و استدلال ریاضی مستحکم، تنها ملاک‌های دانشمندان برای ارزیابی و نقد نظریات علمی است، شواهد متعدد تاریخ علم نشانگر آن است که دانشمندان در اخذ و طرد نظریه‌های علمی علاوه بر شواهد تجربی و استدلال‌های ریاضی، از ملاک‌های دیگری هم استفاده کرده‌اند. تجارب سال‌های اخیر نشان داده است که عقاید دینی در گزینش نظریه‌های علمی مؤثر بوده‌اند؛ به‌طورمثال انیشتین سادگی، زیبایی، وحدت و جهان‌شمولی را از ملاک‌های یک نظریه معتبر علمی معرفی می‌کرد» (گلشنی، ۱۳۹۵/۱۰/۰۸).

۳-۵. تأثیر در طرح نظریات علمی

یکی دیگر از وجوه اثرگذاری جهان‌بینی دینی در علوم، تأثیر اصول متافیزیکی در طرح نظریات علمی است. دکتر گلشنی این اثرگذاری را با یک مثال تبیین می‌کند: «در

نظریه نسبیت عام که یک نظریه صرفاً فیزیکی به‌شمار می‌آید، انیشتین چنین اظهار می‌نماید که وقتی معادلات نسبیت عام را یافت تا دو سال از انتشار آنها خودداری کرد؛ زیرا با اصل علیت عمومی در تعارض می‌دید. تنها هنگامی که شبهه تعارض برطرف شد، اقدام به انتشار آن کرد» (گلشنی، ۱۳۹۵/۱۰/۰۸).

۳-۶. تأثیر در تعبیر نظریات علمی

تأثیر جهان‌بینی بر تعبیر نظریات علمی، یکی از وجوه دیگر اثرگذاری جهان‌بینی بر علوم است که به اعتقاد دکتر گلشنی، مهم‌ترین وجه اثرگذاری جهان‌بینی، همین وجه است: «مهم‌ترین بخش از فعالیت علمی که جهان‌بینی دانشمند، نقش اساسی در آن ایفا می‌کند، مرحله تعبیر نظریات علمی است. خودم: برای یک کشف ثابت، فیزیکدانان خدا باور آن را ناشی از طراحی الهی می‌دانند و فیزیکدانان ملحد آن را ناشی از جهان‌های موازی می‌دانند. علم دینی نه تنها ممکن، بلکه در مقاطعی از تاریخ تحقق یافته است» (گلشنی، ۱۳۹۵/۱۰/۰۸).

۳-۷. تأثیر در کاربرد علوم

آخرین اثرگذاری مطرح جهان‌بینی بر علوم، تأثیر بر کاربرد علم است. دکتر گلشنی در این خصوص معتقد است: «مسئله دیگر، در مورد کاربردهای علم است که علم فعلی قیدی ندارد که کجا به کار برود. اینکه این اسلحه بیولوژیکی ساخته شود و عده زیادی انسان را هم از بین ببرد یا نبرد، خیلی برای سازنده‌اش مطرح نیست. در صورتی که علم دینی جلوی این را می‌گیرد و می‌گوید علم ما نباید باعث تخریب محیط شود. به اصطلاح قرآن، نباید باعث فساد در زمین شود؛ نباید باعث نابودی بشرها شود و... به این دلیل است که علم دینی برای ما مطرح است» (گلشنی، ۱۳۸۷/۱۲/۱۰). یا در جای دیگر می‌گوید: «از علم سوء استفاده نکنید. از علم امروز و علم جدید حداکثر سوء استفاده شده، به طوری که شما می‌بینید پنج شش سال پیش یک فیلسوف بزرگ علم در انگلیس در مجله بیولوژیک و شیمی مقاله می‌نویسد و در این مقاله می‌گوید باید فلسفه علم

رایج را تغییر داد. عنوان مقاله این است که یک انقلابی در فلسفه علم لازم است و بعد اشاره می‌کند می‌گوید ۵۰ درصد از بودجه‌ی پژوهشی در آمریکا و ۳۰ درصد از بودجه‌ی پژوهشی در انگلیس صرف ساختن وسایل نظامی می‌شود و حرف او این است؛ بنابراین این استفاده‌ی مشروع از علم نیست. ایراد یک فیلسوف علم همین است. اینکه خداوند می‌فرماید فساد را دنبال نکنید برحذر داشتن از سوء استفاده از علم است» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۴. بهره‌گیری علوم از متون مقدس

«مرجعیت علمی قرآن کریم» به معنای اثرگذاری معنادار قرآن بر دانش‌های بشری است که امکان یا امتناع آن باید از دیدگاه مفسران و علمای اسلامی روشن گردد. آثار دکتر گلشنی متمرکز بر کاربرد قرآن در علوم طبیعی است؛ ولی در این میان از مقدمات و پیش‌فرض‌هایی استفاده کرده است که می‌توان از آنها در راستای امکان‌سنجی مرجعیت علمی قرآن در علوم مختلف، بهره گرفت. در این بخش، ضمن اشاره به این مقدمات و پیش‌فرض‌ها، به دیدگاه ایشان در مورد این اثرگذاری اشاره می‌شود.

دکتر گلشنی در کتاب از علم سکولار تا علم دینی، چند مورد از وجوهی را که فعالیت علمی از دیدگاه فلسفی و دینی تأثیر می‌پذیرد، برمی‌شمرد؛ مثلاً ما برای چه به دنبال علم باید برویم؟ اینکه پیش‌فرض‌های ما چه باید باشد؟ اینکه ما در مقام نظریه‌پردازی چگونه نظریه‌پردازی کنیم؟ در مقام ارزیابی چه ارزیابی‌هایی را جدی بگیریم و چه شواهدی را نادیده بگیریم؟ در مقام تعمیم نظریه‌ها، وقتی در مورد نظریات کلان، صحبت می‌کنیم، وقتی در مورد ابتدا و انتهای جهان صحبت می‌کنیم و در نهایت در عرصه کاربرد، این حوزه‌های فعالیت علمی به‌طور جدی متأثر از نگرش‌های فلسفی و دینی است.

اثرگذاری و نقش دین در علوم از دیدگاه دکتر گلشنی، امری مسلم است و این امر در جهان‌بینی توحیدی نمود دارد. ایشان در مقاله «بررسی نقش دین در علم» نخست به اختصار دیدگاه‌های مختلف درباره رابطه علم و دین را مطرح می‌کند و سپس با اتخاذ

این دیدگاه که علم در طول دین است، جهان‌بینی دینی (توحیدی) را به‌عنوان زمینه اصلی فعالیت علمی مشخص می‌کند و در پرتو آن، نقش دین در علم را در چهار زمینه اصلی معرفی می‌کند: ۱. فراهم کردن پیش‌فرض‌های متافیزیکی برای علم؛ ۲. ارائه چهارچوبی معرفت‌شناختی، گسترده‌تر از معرفت‌شناسی پوزیتیویستی؛ ۳. تبیین مسائل قابل طرح برای دانشمندان که علم از پاسخ به آنها ناتوان است؛ ۴. ارشاد در جهت کاربردهای درست علم و جلوگیری از کاربردهای تخریبی آن (ر.ک: گلشنی، ۱۳۹۸، ب).

حال در اینجا که با تعبیر بالا، علم دینی از دیدگاه دکتر گلشنی مسلم فرض شده، سخن از منابعی است که در فرایند تولید علم از آنها بهره گرفته می‌شود. اگر علمی را علم دینی گفتیم، منبع آن تنها متون مقدس آن دین است یا اینکه امر یا امور دیگری نیز از منابع علم دینی به‌شمار می‌روند؟ دکتر گلشنی در این خصوص، ابتدا اکتفا به متون مقدس را رد می‌کند و استفاده از تجربه و آزمایش را وجه مشترک همه دیدگاه‌ها در تولید علم می‌داند: «علم دینی به مفهوم مورد نظر بنده و علم به اصطلاح سکولار هر دو در اعتقاد به تجربه و کاوش نظری شریک‌اند و از این لحاظ تفاوتی بین آنها نیست. در هر دو بینش باید طبیعت را مورد کاوش قرار داد و به نظریه‌پردازی پرداخت. در نظریه‌پردازی هم در سطوح معمولی تفاوتی بین این دو نیست، فقط وقتی به ادعاهای جهان‌شمول می‌رسیم و می‌خواهیم نظریه‌های عام بسازیم، علم دینی از جهان‌بینی الهی تأثر می‌پذیرد و علم سکولار از جهان‌بینی‌های دیگر» (بلانیا، ۱۳۸۶، ص ۹۵).

این نوشتار در مورد مرجعیت علمی قرآن سخن می‌گوید؛ اما به صورت کلی‌تر ابتدا تأثیرپذیری علوم از متون مقدس را که قرآن یکی از آنها است، بررسی می‌کنیم. دکتر گلشنی در علم دینی، متون مقدس را یکی از منابع معرفی می‌کند که بر تدوین اصول علم تأثیر گذارند: «متون مقدس دینی در الهام‌بخشی اصول متافیزیکی حاکم بر علم یا جهت‌گیری‌های کاربردی آن مؤثرند، نه به کارهای متداول علمی، و وظیفه متون دینی، تعلیم علوم طبیعت نیست. برای کشف اسرار طبیعت و امکانات آن باید به روش مناسب آن (کار تجربی و نظری) توسل جست» (گلشنی، ۱۳۹۶/۱۱/۱۷).

با اثرگذاری دین بر علم و بهره‌گیری از متون مقدس، دانشمندی که به دنبال فعالیت

علمی با رویکرد دینی است، باید با معارف دینی آشنا باشد. به اعتقاد دکتر گلشنی «اگر کسی با تفکر اسلامی آشنا باشد، یعنی با آن چیزهایی که مُسَلّمات اسلامی است (یعنی متافیزیک اسلامی) در سطح بنیادی آشنا باشد، آن وقت در مسئله علوم با مشکلی برخورد نمی‌کند. او به‌طور اتوماتیک واکنش داده و می‌تواند تصمیم بگیرد که این بُعدش را بپذیرد یا نپذیرد» (گلشنی، ۱۳۸۷/۱۲/۱۰).

۵. میزان بهره‌گیری علوم از قرآن

با اثبات ضرورت بهره‌گیری علوم از متون مقدس، به‌ویژه قرآن کریم، مسئله بعدی میزان بهره‌گیری علوم از قرآن است. در اینجا دیدگاه تفریطی که اصلاً علم امروز را نیازمند به قرآن نمی‌داند، مردود است؛ اما دو دیدگاه دیگر به‌عنوان دیدگاه افراطی و اعتدالی مطرح‌اند.

۱-۵. دیدگاه افراطی

به اعتقاد دکتر گلشنی برخی با دیدگاه افراطی قائل‌اند باید همه چیز را از قرآن گرفت: «در مورد این مسئله که آیا ما باید تمام مسائل علم را از قرآن دریاوریم و هدف قرآن چیست، بعضی از اول از غزالی بگیریم به این طرف، حرف آنها این بود که قرآن آمده «وَلَا رُطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ؛ هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب آمده است» (انعام، ۵۹) و این را تعبیر کردند پس همه چیز را باید از قرآن گرفت. من دو نمونه را برای شما می‌خوانم. عبدالرحمن کواکبی می‌گوید در قرن جدید علم حقایق را روشن کرده است و اینها به کاشفان آنها که اروپایی و آمریکایی هستند، نسبت داده می‌شود؛ اما آنهایی که در قرآن تدبر می‌کنند، می‌یابند که غالب این حقایق به‌طور صریح یا ضمنی در ۱۳ قرن قبل در قرآن آمده است یا عبدالرزاق نوفل می‌گوید ما وقتی به غیر عرب ثابت می‌کنیم که قرآن شامل اصول علم جدید است و از هر پدیده علمی صحبت کرده است، آیا این نوع معجزه قرآن کافی نیست که توجه آنها را به قرآن جلب کند؟» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۵-۲. دیدگاه اعتدالی

برخی دیگر با دیدگاهی اعتدالی، قرآن را هدایتگر کلی در علوم معرفی می‌کنند که دکتر گلشنی در این خصوص می‌گوید: «قرآن کتاب هدایت است و هدایت کلی می‌کند آنجا که لازم است؛ ولی خداوند خواسته خود ما برویم در طبیعت مطالعه کنیم بفهمیم تا اعجاب نسبت به عظمت طبیعت پیدا کنیم. اگر تمام چیزها را برای ما توضیح دهند، دیگر برای بشر علم مفهومی ندارد. به قول شیخ محمد عبده دیگر عقل انسانی اصلاً عبث است، باطل است؛ بنابراین از ما خواسته شده که خود ما برویم کاوش کنیم؛ ولی یک سرنخ‌هایی داده شده که آن سرنخ‌ها را باید ما ملاحظه کنیم که خواهیم گفت» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

دکتر گلشنی در قضاوت بین این دو دیدگاه، دیدگاه اعتدالی را انتخاب می‌کند و می‌گوید: «موضع افراطی این بود کسانی که می‌خواستند همه چیز را از قرآن بگیرند. جواب این است که اگر این بود، خیلی می‌آمدند به خاطر این مسلمان می‌شدند. موضع معتدل از نظر من همان است که مرحوم علامه طباطبایی می‌فرمایند. قرآن مجید در آیات بسیاری به تفکر در آیات آسمانی، ستارگان درخشان و اختلاف عجیبی که در اوضاع آنها پدید می‌آید و نظام متقنی که بر آنها حکومت می‌کند دعوت می‌کند. به تفکر در آفرینش زمین و دریاها و کوه‌ها و بیابان‌ها و آنچه از عجایب در شکم زمین قرار گرفته و بدین ترتیب به تعلم علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالأخره علمی که در دسترس فکر انسانی هستند و تعلم آنها به نفع جهان بشری باشد دعوت می‌کند» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۶. گونه‌های اثرگذاری قرآن در علوم

با پذیرش قطعی بهره‌گیری علم از متون مقدس، موضوع اثرگذاری قرآن در علوم و میزان بهره‌گیری از قرآن به عنوان متن مقدس اسلامی، بحث گونه‌های این اثرگذاری مطرح می‌شود. دکتر گلشنی با توجه به تغییر مداوم علم روز، ابتدا انگاره تطبیق‌دادن

قرآن با علوم را نفی می‌کند و سپس گونه‌های مختلفی را برای مرجعیت علمی قرآن در علوم مطرح می‌سازد:

۱-۶. استنباطی

یکی از روش‌های بهره‌گیری از قرآن، روش منبعیت است. در این روش، اصول مورد استفاده در علم، از قرآن استنباط می‌شود. مرجعیت منبعی به این معنا است که محتوا و مضمون روش، اصول یا مسائل را به‌طور مستقیم از قرآن می‌گیریم؛ به عبارت دیگر تولید علم قرآنی مراحل و مراتبی دارد. یکی از آن مراتب این است که مستقیم به قرآن مراجعه شود و گزاره‌ها و شبکه معنایی موضوع مورد نظر از قرآن استخراج گردد. معنای ساده این عمل این است که مواد ناظر به موضوع یا مسئله مورد نظر از قرآن استخراج و استنباط شود؛ از این رو یکی از ساحت‌های مرجعیت قرآن مراجعه به قرآن و بهره‌مندی مستقیم از درون‌مایه‌های آن است که از طریق تفسیر، اجتهاد و استنباط به دست می‌آید. به اعتقاد دکتر گلشنی، سرنخ‌های کلی علم و جهان‌بینی حاکم بر علوم را می‌توان از قرآن استخراج کرد: «قرآن که "هدی للناس" است، سرنخ‌های متافیزیکی حاکم بر علوم را به من داده است. وحی به ما سرنخ‌های علمی را می‌دهد. کسی که تابع مسلمات قرآن باشد، یعنی اصول متافیزیکی مستخرج از قرآن را قبول کند، آن را می‌توان علم دینی گفت. علما به‌طور طبیعی وقتی بخواهند جمع‌بندی کنند، مفروضات در ذهن خود را سوار بر علم می‌کنند و ما نام آن علمی را که این مفروضات مسلم قرآنی و اسلامی بر آن حاکم باشد، علم دینی می‌گذاریم» (گلشنی، ۱۳۹۶/۱۱/۰۵).

او در جای دیگر می‌گوید: «قرآن یک عده اصول حاکم بر جهان‌بینی هم می‌دهد که اگر به آنها توجه داشتیم فریب بعضی از نتایجی که در علم آمده است را نمی‌خوریم. مثلاً یکی از اصول حاکم در قرآن هدفمندی طبیعت است. اینکه طبیعت هدفمند است، هیچ چیزی عبث آفریده نشده است. شما در علوم طبیعی، در زیست‌شناسی می‌روید می‌گویید همه اینها تصادفی است، هیچ علتی، هیچ هدفی هم پشت قضیه نیست. این کلام صریح داروین است. هیچ هدفی هم پشت آن نیست.

بعدی‌ها، زیست‌شناسان فعلی هم می‌گویند هیچ هدفی نمی‌بینیم. این یک خط قرمز برای ما است. قرآن می‌گوید هدف وجود دارد. قرآن می‌گوید که فقط جهان طبیعت آن چیزهایی نیست که می‌بینیم؛ بنابراین یک عده اصولی حاکم بر جهان‌بینی علمی می‌تواند باشد و در واقع جهان‌بینی فلسفی است که بر علم حاکم است که ما آنها را می‌توانیم از قرآن یاد بگیریم» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۲-۶. استلهامی

یکی دیگر از روش‌های بهره‌گیری از قرآن، روش استلهامی است؛ بدین معنا که درباره مسئله یا گزاره علمی مورد نظر، مضمون و مفاد مستقیمی به‌طور عینی و اجتهادی در قرآن نیست؛ اما می‌توان از مجموع مفاد آیه یا آیاتی و نیز مفاد قصص، مواعظ، احکام و توصیفات قرآن درباره چیزی، برای آن مسئله از قرآن الهام گرفت؛ به‌طور مثال درباره مبنا یا ایده‌های علمی در روابط شهروندی یا در رابطه با اصول سیاست خارجی، مفاد مستقیمی در قرآن نیست؛ اما با کنار هم نهادن مجموعه‌ای از آیات و استنتاج آنها، می‌توان درباره رد یا تأیید آن موضوعات از قرآن الهام گرفت؛ بنابراین یکی از گونه‌های مرجعیت علمی قرآن استلهام یا الهام‌بخشی قرآن است. به اعتقاد دکتر گلشنی «شاید استنتاج علمی از قرآن نکنیم، اما در جایی می‌توان الهام گرفت و تجربه هم کرد، اما جزو مسلمات نشمرد. در قرآن وقتی درباره عسل صحبت می‌شود، می‌گوید "فیه شفاء فی الناس". چه اشکالی دارد پزشکان تجربه و تحقیق کنند ببینند چه خواصی در عسل وجود دارد» (گلشنی، ۱۳۹۶/۱۱/۰۵).

۳-۶. استکمالی

یکی دیگر از روش‌های بهره‌گیری علوم از قرآن، روش استکمالی است. قرآن به‌عنوان یکی از متون مقدس دینی در تکامل علم روز تأثیرگذار است. در کمال‌بخشیدن و تکمیل کردن نظریه‌ها و ایده‌های علمی بشری، قرآن با توجه به احاطه و سیطره خود، دیدگاه‌های ساده‌ای را که نادرست نیستند، را با تعمیق و توسعه، ارتقا می‌بخشد؛ به

عبارت دیگر کمال بخشی قرآن یا استکمال از قرآن به این معنا است که ایده‌ها و نظریه‌های علمی مبتنی بر فهم و عقل بشری با کمک فهم قرآنی، ارتقا و کمال می‌یابد و ابعادی نو برای عقل آشکار می‌کند که بدون مراجعه به قرآن، آن ابعاد فهمیده نمی‌شود. به اعتقاد دکتر گلشنی، علم روز برخی مراحل تکمیل خود را در قالب تجربه و آزمایش و بدون نیاز به قرآن، طی می‌کند که البته این مراحل، مورد تأیید قرآن است. دکتر گلشنی می‌گوید: «علم امروز ظاهراً مبتنی بر تجربه و نظریه پردازی است. ظاهر آن این است و این ابزارها رسماً مورد تأیید قرآن است. خیلی صاف و صریح: "وَاللَّهُ أَحْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً" (نحل، ۷۸)، شما به دنیا آمدید هیچ چیز نمی‌دانستید، "وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ" (نحل، ۷۸). تجربه به تنهایی کافی نیست باید نظریه پردازی هم باشد؛ بنابراین تردیدی نیست که روش علم روز مورد تأیید است» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

دکتر گلشنی سپس الهام و وحی را در جهت تکمیل علم امروز به این مجاری اضافه می‌کند و می‌گوید: «دو مجرای اولی که رایج است، مورد تأیید قرآن هم هست: تجربه و نظریه پردازی. یک مجرای سومی هم امروز مطرح است که این هم در قرآن وجود دارد و آن الهام و وحی است. الهام مثل آن چیزی که به مادر موسی شد. وحی مثل آن چیزی که به پیغمبران می‌شد. اینکه یک مسئله به ذهن شما برسد، در علم امروز هم به شدت تحت عنوان شهود^۱ مطرح است. شما می‌بینید که این سینا تقریباً هزار سال پیش صحبت این را با استفاده از آیه قرآن مطرح می‌کند. اینکه شما بدون اینکه مراحل وسط را طی کنید، فوری به نتیجه برسید. امروز بزرگ‌ترین دانشمندان هم می‌بینید که اقرار می‌کنند یکی از راه‌های رسیدن به نتیجه همین الهام است. حتی دانشمند کیهان‌شناس انگلیسی که به خدا معتقد نیست، معتقد است یک چیزهایی را ما به طور غیرعادی دریافت می‌کنیم و اسم آن را سیگنال کیهانی می‌گذارد. می‌گوید شعری که "گوته" گفته، شعری که "شکسپیر" گفته، موسیقی که "بتهوون" گفته همه الهام است. اینها چیز

1. Intuition

معمولی نیست. خود او هم می‌گوید چند مرتبه چنین چیزهایی را داشته است؛ بنابراین این هم مورد تأیید قرآن است» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

دکتر گلشنی سپس نیاز علم روز به قرآن را با وجود نادانسته‌های انسانی و علم روز، ثابت می‌کند و قائل است که علم را نباید در علم تجربی خلاصه کنیم: «معرفت‌شناسی قرآن محدودیتی ایجاد نمی‌کند؛ ولی معرفت‌شناسی قرآن یک علامت به شما می‌دهد و آن اینکه یک چیزهایی وجود دارد که شما نمی‌دانید. امروز می‌گویند اگر چیزی از راه حواس ما به آن دسترسی بود، این محلّ اعتنا است و اگر از راه حواس در دسترس نبود، این محلی از اعراب ندارد و جایی ندارد. خیر، ما همه چیز عالم را نمی‌دانیم: "فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ* وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ" (حاقه، ۳۸-۳۹)، "شُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ" (یس، ۳۶). ما خیلی چیزها را نمی‌دانیم. شما حتی این نکته را از زبان بعضی از بزرگ‌ترین فیزیکدانان و زیست‌شناسان عصر حاضر می‌شنوید که می‌گویند شعور را نمی‌شود با فیزیک توضیح داد» (یس، ۳۶). ایشان در جای دیگر می‌گویند: «ادعای یک عده زیادی در غرب و انسان‌های بی‌شماری هم در محیط‌های علمی این است که جواب همه سؤالات را می‌شود از علم گرفت. الآن حدود ۵۰-۶۰ سال است که دانشمندان بزرگ، صریحاً می‌گویند ما جواب همه سؤالات را که علم مطرح می‌کند، نمی‌توانیم از علم بگیریم و برای جواب این سؤالات باید ورای علم برویم. این نکته مهمی است برای اینکه به ما نشان می‌دهد علم خود کفا نیست» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

همچنین برخی کامل شدن علم را دلیل دیگری بر بی‌نیازی علم امروز به قرآن می‌دانند که دکتر گلشنی این ادعا را به شدت رد می‌کند و می‌گوید: «معرفت‌شناسی قرآن که از آن می‌توانید الهام بگیرید وسیع‌تر از معرفت‌شناسی رایج است. آخر قرن نوزدهم ادعا می‌شود که ما به آخر علم رسیده‌ایم، به آخر فیزیک رسیده‌ایم. دو دهه مانده به آخر قرن بیستم هم می‌بینید "هایکینگ" ادعا می‌کند ما تا آخر قرن به آخر فیزیک می‌رسیم، بعد هم اول هزاره جدید می‌گوید خیر علم هیچ وقت پایانی ندارد؛ بنابراین قرآن به ما می‌گوید "وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا" (اسراء، ۸۵). این را باید از علم

روز یاد گرفته باشیم، باید به ما آموخته باشد ما چقدر محدودیت داریم. الان که بنده در حضور شما هستم حداکثر پنج درصد از کل ماده جهان را می‌شناسیم، اسم ۹۵ درصد را ماده و انرژی تاریک می‌گذاریم؛ یعنی جنس آن را نمی‌دانیم چیست؛ بنابراین علم روز محدودیت دارد؛ البته باید از آن کمال استفاده را کرد» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۴-۶. حکمیتی

میزان و معیار بودن قرآن، گونه دیگری از اثرگذاری قرآن است. منظور از مرجعیت حکمیتی قرآن به گونه تأیید یا رد ایده یا نظریه علمی این است که گاهی نظریه یا ایده‌ای علمی به قرآن عرضه می‌شود و پس از بررسی روشن می‌شود قرآن با مضمون و روش آن موافق است یا به کلی آن را رد می‌کند و آن را قابل قبول نمی‌داند. منظور از میزان بودن قرآن به گونه حکمیت و حل اختلاف درباره یک ایده یا نظریه علمی، رد یا تأیید کامل نیست، بلکه داوری و مقایسه از سوی قرآن است که کدام نظر به واقع نزدیک‌تر است. قرآن با مقایسه، یک نظریه را نسبت به نظریه دیگر برتری می‌بخشد. دکتر گلشنی در مورد این روش اثربخشی قرآن می‌گوید: «آن چیزی که بر کل زندگی شخص حاکم است، دین است و دین را تنها در نماز، روزه و حج خلاصه نمی‌کنند. آن بینش کلی قرآنی حاکم است و یک منطقه الفراق هم گذاشته که برویم تجربه کسب کنیم، اما در چهارچوب قرآنی، مانند چراغ‌های قرمز بر سر چهارراه‌ها» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۵-۶. بینشی

یکی از انواع تصرفات قرآن، تصرف در پس‌زمینه‌های معرفت بشری به انسان و جهان است. با تغییر بینش و نگرش انسان، نگاه او به انسان و جهان نیز تغییر می‌کند. چنان‌که برخی معتقدند فرایند تولید دانش از مسیر این تغییر اتفاق می‌افتد؛ مانند اینکه در جریان رنسانس وقتی نگاه انسان به دنیا و انسان عوض شد، فلسفه و علم تغییر کرد و تکنولوژی مدرن به وجود آمد؛ بنابراین یکی از گونه‌های اثرگذاری قرآن، گونه بینشی

است که به اعتقاد دکتر گلشنی، در این روش، قرآن موانع شناخت صحیح را به ما یادآوری می‌کند: «قرآن یک بعد دیگر هم به ما راهنمایی می‌کند. آنهایی که به علم روز آشنا هستند، متوجه هستند. ما این مشکلات را در علم روز داریم و آن موانع شناخت است. همه فکر می‌کنند کاری که در علم انجام می‌شود، هر نتیجه‌ای بگیرند، این درست است، حرف آخر است. قرآن به ما چیزهایی را می‌گوید که جلوی آینه شناخت را می‌گیرد. زنگاری روی آن آینه است، مانع می‌شود ما به شناخت صحیح برسیم. این خیلی مهم است و من برای هر کدام از این مواردی که الآن ذکر خواهم کرد، نمونه‌های بارزی در علم جدید می‌توانم به شما ارائه دهم» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱). ایشان مواردی را به عنوان موانع شناخت برمی‌شمارد (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۶-۵-۱. تبعیت از خواسته‌های بی‌ارزش

یکی از موانع شناخت، تبعیت از خواسته‌های بی‌ارزش است: «وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام، ۱۱۹). بدون اینکه علم داشته شد، طالب چیزی است، مثل این چیزهایی که در محیط ما مد می‌شود، نظریه‌ای رایج می‌شود، کتابی مد می‌شود و یک مرتبه یک میلیون نفر در جهان می‌روند آن کتاب را می‌خرند، بدون اینکه بدانند چیست، بدون اینکه حتی بتوانند بفهمند مطالب آن چیست، یا عده زیادی کنکور را انتخاب می‌کنند و فلان رشته را می‌زنند. همه این رفتارها بدون علم است و از، آفات شناخت.

۶-۵-۲. تعصبات بی‌جا

تعصبات بی‌جا یکی دیگر از موانع شناخت است: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنزَلَ اللَّهُ فَأَخْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» (محمد، ۹). نکته این است که وقتی فرد چیزی را دوست ندارد و اصلاً به آن توجه نمی‌کند.

۶-۵-۳. تکبر

یکی دیگر از چیزهایی که باعث می‌شود انسان اشتباه بفهمد و در فهم خود به خطا

برود تکبر است. قرآن به صراحت می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ * وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل، ۱۳-۱۴). آنان در مقابل چیزی که می‌دانستند، تکبر ورزیدند و از پذیرش حق خودداری کردند.

۴-۵-۶. تقلید کورکورانه

یکی دیگر از آفاتی که قرآن می‌شمارد، تقلید کورکورانه صاحبان قدرت است. وجود این آفت در محیط‌های معمولی به راحتی پذیرفته می‌شود؛ اما ولی در محیط علمی کسی باور نمی‌کند، چنین آفتی باشد. در حالی که در محیط‌های علمی این میزان تقلید بسیار است و دوست ندارند که کسی خلاف حرف آنها صحبت کند. منظور این است که در نظریه‌پردازی نباید به دنبال حبّ و بغض بود. دانشمندان بزرگ اسلامی همواره این توصیه را می‌کردند؛ اما امروزه متأسفانه فراموش شده و در محیط‌های علمی حبّ و بغض‌ها بسیار دیده می‌شود.

۵-۵-۶. عجله در قضاوت

عجله در قضاوت از دیگر آفات شناخت است. در حالی که چیزی را نمی‌دانند، بر آن اصرار می‌کنند: «تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (آل عمران، ۶۶). تأیید و تکذیب‌های بی‌جا مصداق این آفت است تا چیزی را ندانید تأیید نکنید و تا چیزی را ندانید تکذیب نکنید. امروزه در علم با استفاده از تأییدها و تکذیب‌های بی‌جا، بسیار سوءاستفاده می‌شود.

۶-۵-۶. دنبال حقیقت نبودن

یکی دیگر از آفات دنبال حقیقت نبودن است: «فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ» (انعام، ۵). دکتر گلشنی در این باره می‌گوید: دنبال حق بودن بسیار مهم است. من در یکی از کتاب‌های خود نقل کرده‌ام، علمای اسلامی، ابن سینا، بیرونی، بیهقی، همه اصرار دارند که دنبال حق باشید، نخواهید دنبال طرفداری از این و آن باشید. شما می‌بینید خواجه نصیر در کتاب مصارع المصارع که در جواب شهرستانی می‌نویسد می‌گوید من این

کتاب را نوشته‌ام از این سینا دفاع کنم، بلکه می‌خواستم جواب حرف‌های سخیف این شخص را بدهم، منظور من دفاع از ابن سینا نبود. تأکید دارند که دنبال حق هستند. این باز از آن چیزهایی است که ما کمتر می‌بینیم.

۶-۵-۷. سطحی‌نگری

یکی دیگر از آفات سطحی‌نگری است. دکتر گلشنی در این باره می‌گوید: که در محیط‌های علمی ما الآن به شدت رایج است. در غرب هم خیلی وقت‌ها رایج است. من شکایت را شنیدم، این شکایت را از یک فیلسوف انگلیسی، یک خانم پیرزن انگلیسی، فیلسوف برجسته خانم مری میجلی. در اسپانیا سخنرانی داشت، می‌گفت در علم امروز ما همیشه به سطحی‌نگری قائل هستیم، دنبال سطحی‌نگری هستیم، به عمق اهمیت نمی‌دهیم، می‌خواهیم تعداد مطالبی که می‌دانیم زیاد باشد، بدون اینکه بخواهیم وارد عمق آنها شویم. قرآن هم می‌گوید: «وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (یوسف، ۱۰۵). از خیلی چیزها عبور می‌کنند و توجهی نمی‌کنند.

دکتر گلشنی در خصوص این مشکلات، معتقد است: «اینها مشکلات شناختی است که ما باید به آن توجه کنیم و دانشمندان اسلامی، کسانی که در چند قرن اول دوره تمدن اسلامی بودند، توجه کامل به اینها داشتند و ما متأسفانه اکثر آنها را در محیط‌های علمی امروز فراموش شده می‌بینیم» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۷. اثرگذاری قرآن در علوم طبیعی

دکتر گلشنی گونه‌های مختلفی از اثرگذاری قرآن بر علوم را مطرح کرده‌اند که این مسئله، بحثی فراعلمی است؛ اما با توجه به اینکه آثار ایشان بیشتر ناظر به تأثیر قرآن در علم طبیعت یا علوم طبیعی است، در این بخش، به این موضوع از منظر ایشان اشاره می‌شود.

مسئله جایگاه علوم طبیعت (علوم فیزیکی و زیستی) در قرآن همواره مورد بحث

فضای مسلمان بوده و در مورد آن دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده و طبیعتاً شبهات گوناگونی درباره آن مطرح شده است. یکی از موارد اثرگذاری قرآن بر علوم طبیعت، تأثیر بر جهان‌بینی حاکم بر این علوم است. دکتر گلشنی در کتاب قرآن و علوم طبیعت می‌گوید: «به نظر نویسنده، برای شناخت طبیعت، هم باید به تجربه پرداخت و هم از نظریه‌پردازی بهره برد؛ چنان‌که در محیط‌های علمی روز انجام می‌شود؛ اما استفاده از علوم طبیعت باید با حکمت توأم بوده و با ارزش‌های اخلاقی سازگار باشد و از سوی دیگر، جهان‌بینی قرآنی باید بر این علوم حاکمیت داشته باشد» (گلشنی، ۱۳۶۴، ص ۱۵۷).

دکتر گلشنی یکی از اثرگذاری‌های قرآن بر علوم را تأثیر در پیشرفت علوم دانسته و در این خصوص می‌گوید: «در ارتباط با طبیعت ما چه الهام‌هایی از قرآن می‌توانیم بگیریم. چون صحبت‌های متفاوتی شده، برداشت‌های متفاوتی شده، افراطاً و تفریطاً و من می‌خواستم دیدگاه خود را عرض کنم. علوم طبیعت از راه ترجمه وارد جهان اسلام در نیمه دوم قرن دوم هجری شد و به‌زودی هم رواج پیدا کرد، دانشمندان سترگی ظهور کردند. وقتی که نگاه می‌کنیم می‌بینیم نظر یک دانشمند بزرگ تاریخ علم مثل جرج سارتون این است که علت پیشرفت علم و ظهور تمدن اسلامی را باید حول توجه دانش‌پژوهان مسلمان به قرآن تعبیر کرد. یعنی قرآن نقش محوری در پیشرفت علم در آنجا داشته است. مرحوم آیت‌الله مطهری هم می‌فرمودند علی‌رغم اینکه ائمه ما به خلفای عباسی ایراد داشتند، ولی یک مورد موثق نداریم که در مورد ترجمه متون ایراد گرفته باشند» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

در قرآن بیش از ۷۵۰ آیه وجود دارد که در آنها به پدیده‌های طبیعی اشاره شده است. این آیات پیام‌های مهمی برای دانشمندان مسلمان در بردارند، از جمله: در این آیات بر مطالعه تمامی ابعاد طبیعت و کشف اسرار خلقت تأکید شده است؛ همچنین قانونمندی و هدف‌داری جهان آفرینش و کمال آن به آدمیان گوشزد شده است؛ دعوت به شناخت طبیعت و بهره‌برداری از مواهب آن در حدی که از حدود الهی تجاوز صورت نگیرد و دعوت به جهان‌بینی و معرفت‌شناسی از دیگر پیام‌های این آیات کریمه‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۷-۱. توجه به مبدأ موجودات

برخی از آیات انسان را به توجه به مبدأ موجودات دعوت می‌کنند. دکتر گلشنی در این خصوص می‌گوید: «در قرآن که به مطالعه طبیعت دعوت شده، به‌طور رئوس‌وار روی چند نکته تأکید شده است. یکی مطالعه‌ی مبدأ و تحوّل اشیا: «قُلْ انظُرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (یونس، ۱۰۱)، «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ؛ بگو در زمین بگردید، پس تأمل کنید، تفکر کنید که خداوند چگونه خلقت را شروع کرد» (عنکبوت، ۲۰). در اینجا هم بُعد تجربه است، هم بعد تفکر و نظریه‌پردازی مطرح شده است. «يُنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه، ۱۷-۱۸)، در همه این چطور خلق شده، این چگونه انجام شده، آن چگونه خلق شده است. اینها حکم به مطالعه طبیعت است. پس یک بُعد قضیه این است که گفته روی مبدأ اشیا مطالعه کنید، تحول آن را مطالعه کنید و غیره» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

۷-۲. استفاده مشروع از مواهب

پیام دیگر این آیات، استفاده مشروع از مواهب الهی است. دکتر گلشنی در این خصوص می‌گوید: «یک بعد دیگری که قرآن اشاره کرده استفاده مشروع از مواهبی است که خداوند در طبیعت برای ما فراهم کرده، به‌عنوان نمونه «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا حَلِيَّةً تَلْبَسُوهَا» (نحل، ۱۴)؛ پس بنابراین گفته شده استفاده کنید ولی گفته شده که استفاده مشروع کنید، فساد به پا نکنید. این صریحاً به ما گفته شده است: «وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص، ۷۷)» (گلشنی، ۱۳۹۲/۱۲/۰۱).

نتیجه‌گیری

در باب «علم دینی» دیدگاه‌ها و تلقی‌های مختلفی مطرح است. برخی با تلقی خاص از علم و دین از اساس، منکر علم دینی شده‌اند و درمقابل برخی افزون بر پذیرش اصل امکان علم دینی و تحقق خارجی آن، قائل به ضرورت آن نیز هستند که دیدگاه دکتر

گلشنی از جمله آنها است. به اعتقاد ایشان جهان‌بینی و مبانی متافیزیکی حاکم بر علم و عالم، عامل دینی‌سازی علم است. دینی‌بودن علم، از ناحیه مبانی و اهداف علم تأمین می‌شود. علم دینی دانشی است که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است. براساس این پژوهش، علم دینی علمی است که از میان انواع جهان‌بینی‌های موجود، جهان‌بینی الهی در پیش‌فرض‌های آن در مراحل مختلف کار علمی حضور دارد و همین جهان‌بینی، جهت‌گیری و کاربردهای آن را تعیین می‌کند؛ بنابراین «علم دینی» آن علمی است که در مقام نظری مبتنی بر تجربه و نظریه‌پردازی است، اما در جمع‌بندی، اصول جهان‌بینی اسلامی بر آن حاکم است.

روش‌های مختلفی در اثرگذاری دین در علوم وجود دارد که اثرپذیری علم از متون مقدس، یکی از این روش‌ها است و قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع دینی، می‌تواند در علوم و دانش‌های بشری اثرگذار باشد. در مورد میزان بهره‌گیری علوم از قرآن، دو دیدگاه افراطی و تفریطی وجود دارد که دکتر گلشنی ضمن رد هر دو دیدگاه، دیدگاه اعتدالی را می‌پذیرد.

از دیدگاه دکتر گلشنی، قرآن به‌عنوان متن دینی، از اثرگذاری معناداری بر علوم و دانش‌های ساخت‌یافته بشری برخوردار است که به‌گونه‌های مختلفی مانند استنباطی، استکمالی، استلهامی، حکمیتی و بیش‌ی قابل تبیین است. ایشان همچنین در مهم‌ترین اثر خود در ارتباط با این تحقیق، به برخی وجوه اثرگذاری قرآن در علوم طبیعت می‌پردازد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. باقری نوع‌پرست، خسرو. (۱۳۹۶). بررسی و نقد کتاب از علم دینی تا علم سکولار. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. ۱۷(۲)، صص ۱-۱۷.
۲. بلانین، محمدرضا. (۱۳۸۶). علم دینی یا علم سکولار. معرفت، (۱۲۱)، صص ۱۱۹-۱۳۶.
۳. گلشنی، مهدی. (۱۳۶۴). قرآن و علوم طبیعت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴. گلشنی، مهدی. (۱۳۷۷). از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. گلشنی، مهدی. (۱۳۷۹). علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. گلشنی، مهدی. (۱۳۸۷/۱۲/۱۰). علم و دین در دیدار با دکتر مهدی گلشنی. از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه. <https://hawzah.net/fa>
۷. گلشنی، مهدی. (۱۳۸۹). چرا علم دینی. حکمت اسراء، ۲(۶)، صص ۱۵-۲۵.
۸. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۲/۱۲/۰۱). سخنرانی در همایش ملی طبیعت از نگاه قرآن و دانشمندان اسلامی - ایرانی. از: <http://abdulazim.com/asemaneazim/index.php/2016-10-31-10-42-42/590>
۹. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۳). علم، دین و فلسفه. تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
۱۰. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۵). نگاه علم و دین به یکدیگر. معارف، (۱۱۳).
۱۱. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۵/۰۴/۱۱). نگاه علم و دین به یکدیگر. از سایت معارف <http://maarefmags.ir>
۱۲. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۵/۱۰/۰۸). علم دینی از دیدگاه مهدی گلشنی. از پایگاه اطلاع‌رسانی طلبعه. <http://www.talie.ir>
۱۳. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۶). علم دینی شدنی است. روزنامه اعتماد. ۸ اسفند، ۴۰۳۷، صص ۱۴.
۱۴. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۶/۱۱/۰۵). مناظره علم طبیعی دینی امکان یا امتناع. از خبرگزاری رسا <https://rasanews.ir/fa/news/552989>
۱۵. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۶/۱۱/۱۷). علم طبیعی دینی. امکان یا امتناع، مناظره دکتر گلشنی با دکتر خسروپناه. از روزنامه فرهیختگان. <http://farhikhtegandaily.com/news/15948>
۱۶. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۸ الف). علم و دین در افق جهان‌بینی توحیدی. تهران: انتشارات دانشگاه خواجه نصیر.
۱۷. گلشنی، مهدی. (۱۳۹۸ ب). بررسی نقش دین در علم. نقد و نظر، ۲۴(۲)، صص ۵-۲۱.

References

**The Holy Quran*.

1. Bagheri Noparast, Kh. (1396 AP). Book review and critique from religious science to secular science. *Critical Journal of Humanities Texts and Programs*. Institute of Humanities and Cultural Studies, 17(2), pp. 1-17. [In Persian]
2. Balanian, M. R. (1386 AP). Religious science or secular science. *Journal of Ma'arefat*, (121), pp. 119-136. [In Persian]
3. Golshani, M. (1364 AP). *The Quran and Natural Sciences*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
4. Golshani, M. (1377 AP). *From secular science to religious science*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
5. Golshani, Mehdi. (1379 AP). *Science, religion and spirituality on the eve of the twenty-first century*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
6. Golshani, M. (10/12/1387 AP). *Science and religion in a meeting with Dr. Mahdi Golshani*. Retrieved from: Hawzah Information Website. <https://hawzah.net/fa>. [In Persian]
7. Golshani, M. (1389 AP). Why religious science? *Journal of Hikmat Isra*. 2 (6), pp. 15-25. [In Persian]
8. Golshani, M. (01/12/1392 AP). Lecture at the National Conference on Nature from the Perspective of the Quran and Islamic-Iranian Scientists. Retrieved from: <http://abdulazim.com/asemaneazim/index.php/2016-10-31-10-42-42/590>. [In Persian]
9. Golshani, Mehdi. (1393 AP). *Science, religion and philosophy*. Tehran: Kanun Andisheh Javan Publications. [In Persian]
10. Golshani, M. (1395 AP). Science and religion look at each other. *Journal of Ma'arif*. (113). [In Persian]
11. Golshani, M. (11/04/1395 AP). *Science and religion look at each other*. Retrieved from: Maaref website <http://maarefmags.ir>. [In Persian]

12. Golshani, M. (08/10/1395 AP). *Religious science from the perspective of Mahdi Golshani*. Retrieved from: Talieh information base. <http://www.talieh.ir>. [In Persian]
13. Golshani, M. (1396 AP). *Religious science is possible*. Etemad Newspaper. March 28, 4037, pp. 14. [In Persian]
14. Golshani, M. (05/11/1396 AP). *Debate on natural religious science, possibility or refusal*. Retrieved from: Rasa News Agency <https://rasanews.ir/fa/news/552989>. [In Persian]
15. Golshani, M. (17/11/1396 AP). *Religious natural science. Possibility or refusal*, Dr. Golshani's debate with Dr. Khosropanah. Retrieved from: Farhikhtegan newspaper. <http://farhikhtegandaily.com/news/15948>. [In Persian]
16. Golshani, M. (1398 AP). An examination of the role of religion in science. *Journal of Naqd va Nazar*, 24 (2), pp. 5-21. [In Persian]
17. Golshani, M. (1398 AP). *Science and religion on the horizon of a monotheistic worldview*. Tehran: Khajeh Nasir University Press. [In Persian]

